



عنوان مقاله:

مطالعه و بررسی پوشاک دوران صفویه

پردیس خیراللهی

دانش آموخته، گروه پژوهش هنر، دانشکده هنر، معماری و شهرسازی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد نجف آباد، نجف آباد، ایران

Email: pardiskheirolahi@chmail.ir

چکیده

پوشاک دوران صفویه جایگاه مهمی در تاریخ پوشاک ایران دارد و پوشاک جزئی کوچک از فرهنگ هر ملتی است. این پژوهش با هدف مطالعه و بررسی پیشینه پوشاک دوران صفویه در جهت دست‌یابی به آگاهی‌های دقیق دربارهٔ جامه‌های اقوام و گروه‌های گوناگون اجتماعی و احیای چگونگی سیر تحول و دگرگونی پوشاک در دوره‌های تاریخی گذشته، انجام شده است. تحقیق حاضر از نوع تحقیق تاریخی بود که باهدف کاربردی و به صورت توصیفی انجام گرفته است. اطلاعات به روش کتابخانه‌ای گردآوری شده در این پژوهش از بانک‌های اطلاعاتی مانند کتاب، مقالات علمی، سایت‌های معتبر و شبکه‌های کامپیوتری کمک گرفته شد و نتایج حاصل از این پژوهش به امید گسترش فرهنگ‌سازی و استفاده طراحان لباس از پوشاک دوران‌های مختلف ایران به خصوص دوران صفویه می‌باشد، در جامعه صفوی پوشش و حجاب بسیار اهمیت داشته است و اغلب پارچه‌های مورد استفاده برای تهیه پوشاک زنان در دوره صفویه زربفت، ابریشم و ابریشم زربفت بوده است و در کنار آن‌ها گاهی از پارچه‌های پنبه‌ای برای آستر دوزی، مخمل، تور، شال، ترمه و پارچه پشمی استفاده می‌کردند، دارای تزئیناتی مانند کاربرد خز در یقه و سر آستین، یقه‌های متنوع و نقوش گل و برگ و انتزاعی در طرح پارچه هاست. و در بین طبقات مختلف پوشش متفاوت بوده است طبقات متوسط و پایین جامعه از پوشش ساده‌تر و بیشتری برخوردار بودند تا طبقات مرفه. و زنان هنگام خروج از خانه علاوه بر تمام پوشش‌ها یک چارقد بزرگ که سفید رنگ بود بر سر می‌کردند تمام بدن آنها را مستور می‌ساخته است.

واژگان کلیدی: پوشاک، پوشاک صفویه، دوران صفویه



۱- مقدمه

عصر صفوی نقطه عطفی از لحاظ فرهنگ و تمدن، میان دوره قبل و بعد از آن به شمار می‌آید و مظاهر این تمدن و فرهنگ که یکی از آنها تن پوش است، از همین دوره به تدریج تحول می‌یابد. زیرا ارتباط اقتصادی و تجاری با ملل اروپایی از این دوره آغاز می‌شود و به تدریج در دوره قاجاریه و آغاز سلطنت پهلوی به اوج خود می‌رسد؛ در نتیجه تحول تن پوش مردان و به ویژه زنان را در قرون اخیر باید در روابط اقتصادی و تجاری حکومت صفویه با اروپاییان جستجو کرد. گرچه جامعه عهد صفوی جامعه ای سنتی بود، ولی در نتیجه ی این ارتباط، تضادهایی ایجاد شده بود که مظاهر این تضاد را به ویژه در تن پوش زنان مشاهده می‌کنیم. شاردن در کتاب خود در مورد پوشاک زنان شرح داده است که زنان سر خویش را کاملاً می پوشانند و از روی آن چارقدی دارند که به شانه شان می رسد و گلو و سینه شان را از جلو مستور می سازد. هنگامی که می خواهند از خانه بیرون بیایند، روی همه ملبوسات، حجاب بلند سفید (چادری) می پوشند که سر تا بدن و صورتشان را مستور می کند. به طور کلی، جز مردمک ساده چشم، چیزی مرعی نمی گردد (غیبی، ۱۳۸۵). پوشاک از راه مجموعه علائم مادی، یک نظام ارتباطی فرهنگی در میان مردم جامعه برقرار میکند. رمز گشایی از این علائم و دریافت مفهوم آنها در هر گروه و جامعه، نیازمند درک رفتارهای اجتماعی و فرهنگی مردم آن گروه و جامعه، و شناخت نظامهای دینی- اعتقادی و باورهایی است که پوشاک ارزشهای نمادین خود را از آنها گرفته است. این ارزشها نقش مهم و برجستهای در نگهداشت هویت اجتماعی و فرهنگی مردم جامعه و استمرار بخشیدن آن در طول حیات تاریخی نسلسها ایفا میکنند. لباسها در واقع نشاندهنده پایگاه اجتماعی، اقتصادی، مذهبی، شغلی و احوال روحی پوشندگان آنها و برتابنده تفاوتهای جنسی، سنی و جایگاه طبقاتی افراد در گروههای اجتماعی گوناگونند. نوع، جنس، رنگ، طرز دوخت، شکل و فرهنگ واژگان مربوط به تن پوشها با مجموعههای ارزشها و معیارهای فرهنگی، اخلاقی، و معنوی و باورهای دینی، مذهبی و آرمانی در آمیخته است (الهی، ۱۳۸۹: ۱۱).

انسان به پوشاک و لباس به عنوان یکی از نیازهای اساسی جهت دوام و بقای خود محتاج است. ایرانیان از جمله ملت‌هایی هستند که به لباس و تنوع در رنگ و طراحی آن اهمیت میدادند. علاوه بر تاریخ و پیشینه هر ملت که در شکلگیری هویت فردی و ملی اهمیت بسیار دارد، از دیگر عوامل تاثیرگذار بر پوشش ملی و در پی آن هویت، وضع جغرافیایی، شغل‌های مورد نیاز جامعه، رنگهای نمادی و مهم در فرهنگ ملی، باورهای دینی و گروههای مختلف میباشند. گزاره‌های زیبایی شناختی در مورد لباس ایرانی، میتواند به عنوان مبنایی برای طراحی لباس به سبک ایرانی، مورد استفاده قرار گیرد. از سوی دیگر، به دلیل وسعت سرزمین ایران و ساکن بودن اقوام گوناگون در آن، باید تدابیری اتخاذ کرد که در آن از این فرهنگ غنی در عرصه پوشاک و مد استفاده گردد (احمدی و موسوی، ۱۳۹۹: ۱۴).

بررسی پوشاک در دوره ی صفوی می تواند از جنبه های گوناگون طرح، رنگ و نقش مورد بررسی قرار گیرد و به عنوان الگویی متناسب با شرایط روز جامعه استفاده شود. به این منظور و برای ارائه ی لباس هایی جذاب بر اساس اصول مورد نظر روز در اجتماع و متناسب با فرهنگ ایرانی؛ در این پژوهش تلاش می گردد تا پوشاک به کار رفته را به عنوان الگوی مورد نظر از جنبه های طرح، رنگ و نقش بررسی و طبقه بندی کرده تا پژوهش گران و طراحان لباس، طرح های جدید متناسب اجتماع روز ارائه دهند تا علاوه بر کاربرد مخاطب را باهنر اصیل ایرانی آشنا و عجبین کنند.



۲- پیشینه تحقیق

در زمینه لباس و نوع پوشش ایرانیان نوشته‌های مستقلی در تاریخ ایرانیان به نظر نمی‌رسد. آنچه که در این زمینه مناسب تشخیص داده شده نوع پوشش در بعضی از نوشته‌های سیاحان اروپائی تاورنیه و شاردن می‌باشد البته مورخین ایرانی بیشتر به جنبه‌های سیاسی تاریخ ایران توجه داشتند. همین‌طور تصاویر و عکسهایی که در سفرنامه‌ها آورده شده و میناکاری و نگارگری‌های باقی مانده از دوره صفویه در بررسی این موضوع بسیار به ما کمک می‌کند، در سال‌های اخیر پژوهش‌های گوناگونی در این حوزه‌ها انجام گردیده است که به چند نمونه از این پژوهش‌ها پرداخته ایم:

پژوهش‌های انجام شده در زمینه پوشاک ایرانی را به دو دسته می‌توان تقسیم کرد: گروه اول شامل انواع فرهنگنامه‌ها و لغتنامه‌های تخصصی می‌شود، مانند: «فرهنگ البسه مسلمانان» اثر پیتر اندزی (۱۳۸۸) و «واژه‌نامه پارچه و لباس» اثر فریده طالب پور (۱۳۸۶) و گروه دوم به مطالعات تاریخ نگاری اختصاص یافته است، مانند: «پوشاک ایرانیان از سری مطالعات از ایران چه می‌دانم» اثر پیمان متین (۱۳۸۲) «تاریخ پوشاک اقوام ایرانی» اثر مهرآسا غیبی (۱۳۹۵) و «پوشاک در ایران زمین از سری مقالات دانشنامه ایرانیکا» که به سرپرستی احسان یارشاطر (۱۳۸۳) گردآوری شده است. جلیل ضیاءپور (۱۳۴۹) در مجموعه «پوشاک ایرانیان از قرن چهارده پیش از میلاد تا آغاز دوره پهلوی»، ضمن مطالعات تاریخی خود از مقایسه نگاره‌های مکتب تبریز و اصفهان در دوره صفوی نتیجه‌گیری می‌کند که کلاه و پوشاک مردمان صفوی در دوره دوم نسبت به دوره اول تحول یافته است (سادات نقوی و مرانی، ۱۳۹۱: ۳).

محبی و حسنجانی و امانی (۱۳۹۷) در مقاله‌ای تحت عنوان بررسی رابطه جایگاه اجتماعی و انتخاب رنگ البسه در نگاره‌های دوره صفویه که از درک نمادها و کشف معنای رنگ پوشاک بر روی نگاره‌های صفوی و توجه به ویژگی‌های قرار دادی نمادها در گروه‌های مختلف و خرده فرهنگ‌های گوناگون جامعه صحبت می‌کند، و درباره‌ای نماد رنگ لباس‌ها و دگرگونی‌های آن در طول دوره صفویه منجر به آگاهی بر مجموعه‌ای از دانستی‌ها و نگرش‌های قومی، ملی، دینی و مذهبی می‌گردد.

امینی و جوانی و مقنی پور (۱۳۹۷)، در مقاله‌ای تحت عنوان "شناسایی نمونه‌های پیکره‌های انگلیسی در نگارگری مکتب اصفهان" که تاثیر پذیری نگارگری مکتب اصفهان از وقایع تحولات سیاسی نظامی و تجاری دوره صفویه باعث پدیدار شدن نمونه‌های پیکره‌های غیر ایرانی در نگارگری مکتب اصفهان شد. این پژوهش به هدف شناسایی نمونه‌های انگلیسی و عوامل تاثیر گذار بر نگارگری مکتب اصفهان براساس مولفه‌های چهره و پوشاک انجام گرفته است که با در نظر گرفتن تاریخ اجتماعی مکتوب به بررسی دوره اجتماعی و سیاسی صفویه پرداخته شده است. تصاویر نگارگری از میان نگاره‌های مکتب اصفهان انتخاب شده، که با تهیه کارت مشاهده، تصاویر بر اساس معیارهای کیفی مانند: تیپ، گونه و ریخت شناسی^۱ قیافه، صورت، سر و لباس دسته بندی می‌شوند.

مسعودی امین (۱۳۹۴) در مقاله‌ای تحت عنوان "فرنگی سازی در نگارگری مکتب اصفهان: رودیکردی فرهنگی"، که با هدف شناخت تأثیر ارتباطات بین فرهنگی در شکل‌گیری و تکوین نگارگری مکتب اصفهان نوشته شده است. یافته‌های اصلی این مقاله به تشریح و توضیح شیوه فرنگی سازی و تأثیر تحولات فرهنگی در پیدایش این شیوه اشاره داشته است. به عبارتی در فرایند گسترش تعاملات خارجی دوران حکومت صفویان و با ورود نقاشان اروپایی به ایران و آشنایی هنرمندان ایرانی با شیوه‌های نقاشی غرب، جریان تازه‌ای در نگارگری ایرانی رقم می‌خورد که تحت عنوان فرنگی سازی متأثر از روش‌ها و تکنیک‌های زیبایی شناختی نقاشی غیر ایرانی است. نتایج این مقاله نشان داده که ارتباطات بین فرهنگی توسط مجاری مختلف اعم از روابط اقتصادی، سیاسی و فرهنگی در پیدایی شیوه

¹ Morphology



های جدید هنری و غیر ایرانی تأثیر عمیقی داشته است. و نخستین زمینه‌های هرگونه تغییر زیبایی شناختی و فنی در هنر و دستاوردهای هنری دوران محصول همین تعاملات اجتماعی و فرهنگی است.

قوجق و مهر پویا (۱۳۹۱) در مقاله‌ای به عنوان "بررسی ویژگی‌های تن پوش‌ها و سفرنامه‌ها و نگاره‌های مکتب اصفهان" نوشته‌اند ، به بررسی تن پوش‌های مردمان صفویه در سفرنامه‌ها و میزان تطابق آن با نگاره‌های صفویه و بخصوص مکتب اصفهان که یکی از مسائل اصلی این پژوهش است پرداخته است. و همچنین با بررسی سفرنامه‌ها و نگاره‌ها در این مقاله میتوان چنین ارزیابی کرد که اکثر مواقع بین توصیفات سفرنامه‌ها در مورد تن پوش‌ها با نگاره‌های موجود از دوره صفویه انطباق کامل وجود دارد .

زنگنه و دادور و زارع هرفته (۱۳۹۱) تحت عنوان مقاله‌ی به نام " طراحی لباس عصر بر اساس پوشاک دوران صفوی " که شروعی است برای ایجاد طرح‌های جدید با استفاده از برشها و رنگهای زیبا و متنوع پوشاک، دوران صفویه است و در این پژوهش سعی شد از بین پوشاک صفویه، طرح‌هایی انتخاب شود که بتوان به بهترین نحو از آنها در طراحی لباس عصر استفاده شود که با سلیقه‌ی بانوی ایرانی مطابقت داشته باشد. پوشاک صفویه برای طراحی لباس عصر بسیار مناسب بوده در این تحقیق با بررسی پوشاک دوره‌های قبل از اسلام و بعد از اسلام و به خصوص دوره‌ی صفویه، دریافتیم که البسه دوره‌ی صفویه از غنای بالایی در طرح و رنگ برخوردار است و برای استفاده در طراحی بسیار عالی میباشد. پوشاک دوران صفویه طرح‌های بسیار زیبایی نسبت به دوره‌های دیگر داشته و به فرهنگ ایرانی بسیار نزدیک بوده. پارچه‌های آنها از لطافت، ظرافت و زیبایی خاصی برخوردار بوده و در طرح لباسشان نیز ظرافت خاصی وجود داشت و به خوبی میشود از این طرح‌ها در طراحی لباس عصر استفاده کرد. و این که با توجه به تغییر و تحولات سریع مد ولی هنوز می‌توان از پوشاک تمام دوره‌ها به خاطر غنای بالا و دارا بودن فرهنگ ایرانی در طراحی لباس استفاده کرد.

چیت ساز (۱۳۹۱) در کتابی که تحت عنوان تاریخ پوشاک ایرانیان از ابتدای اسلام تا حمله مغول است ، از پوشاک دوران صفویه این گونه یاد می‌کند : که در این دوره با توجه به بافت خاص اجتماعی و مذهبی آن این دوران شکل خاصی به خود گرفت. در این دوره پیراهن‌ها اغلب رنگی و گلدارو زربفت ابریشمی بوده است و روی آن قبای جلو باز بلندی تا مچ پا به پا میکردند و کمربندی به کمر میبستند اما طوری که روی کمر قرار نگیرد _ کلاه کوچک _ چارقد^۲شلوار پنبه دوزی شده و جوراب ساقه کوتاه پارچه‌ای از جمله پوشاک و لباسی بودند که در فصل زمستان مورد استفاده زنان قرار میگرفتند.

جامه‌ای که زنان زیر چادر بر سر افکنند. پارچه‌ای سه گوشه یا چهار گوشه که زنان بر سر بندند ^۲



۳- روش تحقیق

تحقیق حاضر از نوع تحقیق تاریخی بود که باهدف کاربردی و به صورت توصیفی انجام گرفته است. اطلاعات به روش کتابخانه‌ای گردآوری شده و دست‌آورد‌های آن به صورت آزمون و خطا مورد آزمون قرار گرفت. در این پژوهش از بانک‌های اطلاعاتی مانند کتاب، مقالات علمی، سایت‌های معتبر و شبکه‌های کامپیوتری کمک گرفته شد.

۴- یافته‌ها

پوشاک یکی از بارزترین پدیده‌هایی است که دارای جنبه‌های فرهنگی، هنری، اجتماعی و مذهبی است و شناخت آن در ادوار مختلف تاریخ ما را با سلیقه، تجارت، منابع طبیعی، دین، شرایط جغرافیایی، آداب و رسوم و موقعیت اجتماعی هر منطقه آشنا می‌کند. امروزه آشنایی با تاریخ لباس پوشاک برای اندیشمندان رشته‌های رشته‌های مردم‌شناسی و جامعه‌شناسی از اهمیت زیادی برخوردار است زیرا با شناخت لباس به آداب و سنن، خاستگاه قومی، روابط بین‌ملتها و... پی برده و از آن برای بهبود کار خود استفاده می‌کنند. شناخت پوشاک تاریخی برای طراحان لباس نیز حائز اهمیت است زیرا فرهنگ جامعه را شناخته و با توجه به فرهنگ آن منطقه به طراحی لباس می‌پردازند. همچنین با نگاه به لباس گذشتگان و ایده گرفتن از آن به طراحی لباس‌هایی می‌پردازد که با فرهنگ آن جامعه هم‌خوانی داشته و قابل پذیرش برای مردم جامعه است (قیانداران، ۱۳۹۳: ۱۵).

پوشاک مردمان هر سرزمینی بیانگر فرهنگ و تمدن زیستی است که در طی زمان علاوه بر کارکرد اولیه خود به عنوان پوشش بدن از نظر زیبایی جنس پارچه، نوع دوخت و رنگ، در مجموع وجه زیبایی یافته است، و با مقوله‌هایی نظیر مردانگی یا زنانگی، طبقه منزلت و به طور کلی با ساختارهای اجتماعی متناظر شده است. پوشش رنگ لباس‌ها به عنوان یک عنصر معنایی و نمادین، دارای خصلت‌های نشانه‌ای است (محبی و همکاران، ۱۳۹۷: ۱۲۷).

در موضوع انگیزه تغییر سبک پوشش و گرایش به مد جدید، غالب افراد میل به تنوع و تغییر و دوری از یکنواختی و تکراری شدن را علت عمده گرایش به مد جدید عنوان کرده‌اند (افروغ و مهربانی فر، ۱۳۹۷، ۱۹).

هنر طراحی لباس در طول تاریخ در دامان برخی از سبک‌های هنری رایج زمان خود رشد کرده و موجب پیدایش سبک‌های جدید شده است. (مجلسی و خوشنویسان، ۵۷).

۱- ۴ پوشاک بانوان دوران صفویه:

پوشاک مردم ایران در هر دوره متأثر از عوامل مختلفی از جمله فرهنگ، مذهب، سنت‌های مردم شهرها و شرایط محیطی بوده است. در عصر صفویه به دلیل رفت و آمد‌های مختلف هیات‌های سیاسی و اقتصادی خارجی به ایران موجب گردید که تعداد بسیاری سفرنامه و گزارش‌های سفر، توسط این گروه‌ها نوشته و به یادگار بماند از جمله دیگر منابع تحولات پوشاک در ایران دوره صفویه می‌توان به نگاره‌ها و نقاشی‌های باقیمانده از این دوره که به شدت تحت تاثیر فرهنگ و سنن هر دوره تاریخی نقش گردیده‌اند، اشاره کرد که



میتوانند مکمل مناسبی برای دستیابی به آداب و سنن پوشاک مردم در کنار گزارش‌های سفرنویسان باشند (ولی قوجق و مهرپویا ، ۱۳۹۳: ۴۳).

پوشاک دوران صفویه جایگاه مهمی در تاریخ پوشاک ایران دارد و پوشاک جزئی کوچک از فرهنگ هر ملتی است (زننگه و همکاران ، ۱۳۹۱: ۵۹). انواع پوشاک در این دوره ، پوشش پیراهن (تونیک) ، کلیجه یا نیم تنه ی کوتاه ، قبا ، مانتو ، قبا یا ردا ، عبا یا شنل آستین دار ، شال کمر و کمر بند و دستکش ، کردی یا کاتبی (کادبی) ، شلوار و پوشش سر در دوره ی صفویان به صورت چشمگیری وجود دارد لباس‌ها در اوایل دوره صفویه هنوز هم سبک دوره تیموری را تداعی می‌کرد . پوشاک اصلی زنان تا حدودی قابل تعویض بود ، مگر سربند ها و روبنده های زنان ، به استثنای طبقاتی نظیر مهتران و درویشان . با وجود این می‌توان گفت که سبک اصلی لباس زنان در طبقات مختلف ، با درجات مختلفی از ساده پوشی همراه بوده است (جعفر پور و نوری مجیدی ، ۱۳۸۵: ۵۱).

با آمدن شاه عباس به اصفهان ، لباس مردم تغییر نکرد ، بلکه طرز پوشیدن آن دگرگون شد و علاقه مردم به تجمل بیشتر باعث شد که از پارچه های فاخرتر استفاده شود . ولی معمولاً خود شاه عباس لباس بسیار ساده بیشتر به رنگ سبز ، سرخ و سیاه برتن می‌کرد که از پارچه هایی بود که روستاییان فقیر می‌پوشیدند . و در مجالس رسمی و پذیرایی های درباری بیشتر با همین لباس ساده ی روستایی دیده می‌شد. در نیمه دوم مکتب اصفهان طرز لباس پوشیدن ایرانیان با نفوذ و ارتباط با اروپاییان تغییراتی پیدا کرد و به تدریج پیراهن های پر دکمه و بندینک ها به کنار رفت و از بلندی به کوتاهی گرایید و از پارچه های لطیف و به جای طلا و نقره و از فلزات پست تر استفاده کردند . لباس های شق و رق زری با جای کمر مشخص که قسمت پایین تر از کمر با زاویه ی تندی جدا می‌شد با یقه پوستی متداول گردید (حکمیان ، ۱۳۸۵: ۹۶).



تصویر ۱- بررسی جزئیات پوشاک دوران صفویه در اصفهان (<http://aqajani.persianguig.com/>).

۲-۴ نقش و نگار پارچه های دوره صفوی

پروفسور پوپ اسلوبی که نساجان صفویه، برای جلوگیری از آشکار شدن عملیات تکرار استفاده می‌کردند را در چهار روش طبقه بندی می‌کند. همراه کردن نقش اصلی (عنصر تکرار) با یک فرم فرعی که از نظر بصری چشم را از توجه به شکاف موجود میان اجزای طرح منحرف کرده و در نتیجه عملیات تکرار کمتر به چشم خواهد آمد. شیوه ی دیگری که احتمالاً موفقیت آمیزتر از شیوه ی پیشین باشد،



روی هم قرار دادن قسمت‌هایی از دو طرح است، که در آن نقش به شکل نوارهای عمودی یا افقی و یا هر دو تکرار خواهد شد که قسمت‌هایی از این نوارها در هم نفوذ کرده و در نتیجه به راحتی نمی‌توان مرز آن‌ها را تشخیص داد. آشکار بودن ردیف‌هایی که در کنار هم قرار گرفته‌اند، گاهاً با استفاده از نقش مایه‌های دیگر نظیر گیاه پریچ و خم به شکل یک در میان با نقش اصلی کاهش می‌یابد. درباره‌ی طرح‌هایی که فقط به صورت چشم‌انداز هستند، عمل تکرار با بهره‌گیری از روش‌های هم‌قرار گرفتن، برگشت و تغییر رنگ، از نظر بصری کاهش می‌یابد. در این حالت در بین فضاها، گروهی از اشکال نیز استفاده می‌شوند. به طوری که به سختی می‌توان حد فاصل هر یک از طرح‌های متشکل را تشخیص داد. یا این که عمل تکرار به شکل نفوذ یافته در یکدیگر است، شامل موتیف‌ها یا موضوعات و طرح‌هایی است که با یکدیگر به شکلی تلفیق شده‌اند که نتیجه‌ی آن نقش شاخه‌های پریچ و خم و عمودی را نمایش می‌دهد (پوپ، ۱۳۸۷).

از اواسط قرن شانزدهم میلادی و اوایل قرن هفدهم میلادی، نساجان از نقش مایه‌های تصاویر نسخ خطی استفاده می‌کردند و منسوجات ابریشمی با تصاویر مضاعف از مهمانی‌های شکار، مجنون در صحرایی احاطه شده با حیوانات، یا از خسرو که شیرین را در حال استحمام می‌یابد آراسته می‌شدند. یک کت با طرح پیکره‌هایی در شیوه‌ی رضا عباسی، در حال حاضر در اسلحه‌خانه‌ی سلطنتی استکهلم نگهداری می‌شود. که به وسیله‌ی تزار روس به ملکه کریستینا در سال ۱۶۴۴ میلادی هدیه داده شد. جنس این کت از مخمل بوده و دارای فضا‌های خالی با استفاده از الیاف نخی پیچیده شده در ورقه‌ی نازک فلزی است (برند، ۱۳۸۳).



تصویر ۲- جبه آستین بلند، نیمه اول قرن ۱۱ هجری ثمری، مخمل ابریشمی با نقش برجسته پرز چین بر زمینه اطلس نقره‌ای (تجویدی و درخشن، ۱۳۹۹).

در پارچه‌های مکتب اصفهان دوره صفوی، نقوش دارای دسته‌بندی انسانی، گیاهی، حیوانی، اسلیمی و خط‌نگاره می‌باشد. همچنین نقش محرمات، کتیبه (درنگارش آیات قرآنی) و محرابی به چشم می‌خورد. عموماً نقش غالب انسانی در پارچه‌های این دوره به چشم می‌خورد که با زمینه‌ای از نقوش گیاهی و بوته‌ها برای پر کردن فضای خالی بین نقوش دیده می‌شود که با رنگ‌های درخشان و جالب توأم گشته است (جعفری و همکاران، ۱۳۹۹: ۱۵).

۳-۴ ویژگی و شیوه‌های پارچه بافی صفویه

پارچه بافی در ادوار مختلف تحولات بسیاری داشته است، به ویژه در دوران صفوی، که با حمایت‌های شاهان صفوی پیشرفت زیادی به دست آورد، به طوری که بسیاری از تاریخ‌نگاران و سیاحان، دوران صفوی را عصر طلایی هنر ایران نامیده‌اند. دوره صفویه را بی‌شک می‌توان پررونق‌ترین و مهم‌ترین دوران پارچه بافی ایران به شمار آورد. حمایت بی‌دریغ پادشاهان صفوی و ایجاد کارگاه‌های بافندگی شاهی در پایتخت‌های صفوی و پدیدآوردن مراکز بافندگی جدید و توسعه بازرگانی، به ویژه در زمینه بافته‌های گوناگون که ابریشمین



های زربفت مهم‌ترین آن‌ها را تشکیل می‌دادند، هنربافتندگی را در عصر صفویه به اوجی رسانید که در دوره اسلامی نه پیش‌تر از آن پدید آمده بود و نه هرگز پس از آن پدید آمد. بافته‌های عصر شاه عباس بزرگ، زیباترین نمونه‌های این دوره به شمار می‌آیند (خلیل زاده مقدم و صادق پور فیروز آباد، ۱۳۹۰: ۲۳ و ۲۴).

طراحان بزرگی همچون غیاث الدین نقش‌بند، عبدالله و غیره به استادی نگارگران زمان، طرح‌های پیچیده، نقش‌های انسان، حیوان، گل، گیاه، باغ، کوه و دشت را بر پارچه نقش می‌زدند امروزه کم‌تر موزه یا مجموعه مهمی در سراسر جهان را می‌توان یافت که نمونه‌هایی از بافته‌های این دوره را در میان گنجینه‌های خود نداشته باشد. موزه‌های متروپولیتن، هنرهای زیبای بوستون، منسوجات واشنگتن، ویکتوریا و آلبرت، ملی تهران و بسیاری دیگر از موزه‌ها و مجموعه‌های مشهور جهان، نمونه‌های بافته‌های این عصر را در خود نگه‌داری می‌کنند (خلیل زاده مقدم و صادق پور فیروز آباد، ۱۳۹۰: ۲۴).

در عهد صفوی (۹۰۵-۱۱۳۵ هجری قمری، ۱۷۲۲-۱۴۹۹ میلادی) هنر نساجی به گذشته خود بازگشت و نقش پارچه‌ها از نفوذ هنرچینی‌رهایی یافت. در شیوه بافتن پارچه نیز ابداعاتی صورت گرفت، در کنار بافتن پارچه‌های پشمی، ابریشمی و حریر، ابداع مخمل بافی هم رونق یافت. از طرفی استفاده از نقش انسان در پارچه‌ها بیش‌تر مورد توجه هنرمندان قرار گرفت. نقش انسان در پارچه‌های عهد صفوی گاه نیز بر مبنای داستان‌های قدیمی است. از این رو می‌بینیم که تاثیر نقاشی و نگارگری در طراحی پارچه‌های این عهد موثر بوده است (روح فر، ۱۳۸۰: ۴۰).

بافته‌های دوره صفوی را از نظر طرح و نقش می‌توان به دو دوره تقسیم کرد: در دوره اول، خواجه غیاث الدین نقش‌بند سبکی به وجود آورد که از ویژگی‌های آن استفاده از طرح‌ها و نقوش کوچکی بود که هماهنگی خاصی را در سطح پارچه و طرح ایجاد می‌کردند. شیوه طراحی و نقش‌بندی غیاث الدین از طرح‌های سده دهم یعنی دوره اول سلطنت صفویان اقتباس شده و خود او موجد دو ابتکار فنی بافت پارچه‌های چندتایی و مخمل بوده است. غیاث در ایجاد طرح‌های گوناگون و انتقال آن بر روی پارچه مهارتی به سزا داشت (روح فر، ۱۳۸۰: ۴۲).

در دوره دوم، طرح‌ها و نقوش بافته‌ها، متأثر از سبک نگارگری مکتب رضا عباسی بود. سبک خاص و ممتاز رضا عباسی که با آثار غیاث الدین تفاوت بسیار داشت، در طرح‌انواع مخمل‌ها استفاده شد. در این شیوه به‌ای آن‌که نقش‌های کوچکی رسم شود، تا در یک طرح کلی و حرکتی مشترک با هم رابطه و تناسب پیدا کنند، تصویرهای بزرگی طراحی می‌شد و نقوش فرعی تنها برای پرکردن فضای خالی به کار می‌رفت. با در دسترس قرار گرفتن ابریشم طبیعی، شیوه‌ای نوین در پارچه بافی ایجاد شد، که از یک طرف تکامل طرح اسلیمی^۴ و از طرف دیگر ترقی نقش گلبرگ‌های طبیعی، در ایجاد این شیوه تاثیر فراوان داشت (خلیل زاده مقدم و صادق پور فیروز آباد، ۱۳۹۰: ۲۵).

^۳ پارچه‌ای که در آن رشته‌های طلا به کار برده باشند (احتشامی، ۱۳۹۰: ۷۸).

^۴ نوعی روش تزئینی سطح یا زمینه در هنرهای کاربردی و سنتی است که در آن شکل غنچه، گل و شاخ و برگ گیاهان استفاده می‌شود (احتشامی، ۱۳۹۰: ۲۹).



بافته‌های صفوی، به ویژه بافته ابریشمی، همواره مورد توجه جهانیان بوده است. این پارچه‌ها نه تنها طرح و نقش بدیع و نوظهور داشتند، بلکه از نظر تنوع رنگ نیز بی نظیر بودند. بسیاری از پارچه‌های ابریشمی این دوره به آثار مکتب اصفهان شباهت دارد در آغاز دوره صفوی، تبریز، کاشان، یزد، اصفهان و غیره از مراکز مهم بافندگی بودند؛ در این شهرها حریرهای زربفت، پارچه‌های ابریشمی، مخمل و منسوجات خاص دوره صفوی همچون پارچه‌های جناغی باف نخ، اطلس^۷، ابریشمینه‌های گل برجسته چینی، نیلوفر گل شاه عباسی^۸، زری و مخمل تولید می‌شد مستشرقین و سیاحانی که در دوره صفوی به ایران در سفر کرده بودند به بیان اوضاع سیاسی، اجتماعی و تجاری ایران پرداخته‌اند، از جمله سیوری که در کتاب ایران عهدصفوی می‌نویسد: «علاوه بر تولید مصنوعات بافته شده و زربفت و مخمل‌هایی با عالی‌ترین کیفیت، صنعتگران صفوی در گل‌دوزی و قلم‌کارسازی نیز بر گذشتگان پیشی گرفتند»، در نخستین پارچه‌های دوره صفوی منظره باغ، مضمون تصویری بسیار متداولی بود. باغ ایرانی عموماً محصور در پشت دیوار یا پرچین است، و در آن چند نوع درخت سایه افکن مانند چنار، سرو، توت و غیره وجود دارد. موضوعات به کار رفته در طراحی پارچه‌های عصر صفوی، شامل داستان‌های رزمی، به تصویر کشیدن انسان در مجلس بزم و شکار، امیرزاده‌های سوار براسب با مهتران‌شان، کاربرد نوشته در تزئین پارچه و استفاده از طرح‌های انواع گل‌ها، حیوان و انسان است که البته در میان آن‌ها از نقش‌مایه‌های دوران ساسانی نیز استفاده شده است. همچنین طراحان دوره صفوی در تزئین پارچه‌ها از افسانه‌ها و ادبیات ایران مانند شاهنامه و خمسه نظامی بیش‌تر الهام گرفته‌اند (خلیل زاده مقدم و صادق پور فیروز آباد، ۱۳۹۰: ۲۶ و ۲۵).

بافندگان دوره صفوی در ابریشمینه‌های گل‌دار خود، طرح‌های ظریف و رنگارنگ نیز وارد می‌کردند و از این طریق به بافت‌های چند تار و پودی یا جناغی، زمینه‌های طلائی براق بخشیدند (طالب پور، ۱۳۸۶: ۱۳۶).

۵- بحث و تحلیل یافته‌ها

پوشاک مردم هر قوم و سرزمینی بیانگر تمدن و فرهنگ آن است. در این راستا پوشاک ایرانیان از غنای فرهنگی شایسته‌ای برخوردار است. این مقوله یکی از ارکان اصلی فرهنگی و ملی محسوب می‌شود. اما همچون بسیاری از عوامل فرهنگی دیگر با گذشت زمان و جاری شدن حوادث تاریخی از گزند آن در امان نمانده و دچار تغییراتی گشته است. بهتر است برای دستیابی به چگونگی این تغییر و تحولات قطعات لباس را به صورت جز به جز مورد بررسی قرار داد (دادور و پور کاظمی و ۱۳۸۸: ۲۴). که در جدول شماره ۱، به جزئیات پوشاک دوران صفویه در اصفهان، پرداخته ایم.

^۵ در مکتب اصفهان باغ‌ها و گل‌ها بسیار زیباتر و پرشکوه‌تر شدند و افراد در نگارگری لباس فاخر و مجلل داشتند. در این دوره تعداد افراد در نگارگری کاهش یافت. تک چهره‌ها افزایش یافتند. لباس‌ها بسیار دقیق‌تر طراحی شدند (پاکباز، ۱۳۸۵: ۸۲).

^۶ در پارچه جناغی نخ‌های تار یا پود از روی دو عدد و یا بیشتر از روی یکدیگر می‌گذرند. نقاطی که هریک از آن‌ها از زیر نخ دیگر رد می‌شود، ردیف به ردیف برای این که به صورت خطوط مورب نمایان شود، با دیگر متوازن می‌شود (خلیل زاده مقدم و صادق پور فیروز آباد، ۱۳۹۰: ۲۵)

^۷ نام قسمتی از پارچه که از ابریشم بافته می‌شود. پرنیان، دیبا (خلیل زاده مقدم و صادق پور فیروز آباد، ۱۳۹۰: ۲۵)

^۸ نوعی گل برجسته که در پارچه‌های ابریشمی به کار می‌رود (احتشامی، ۱۳۹۰: ۶۷).



جدول ۱: بررسی پوشاک دوران صفویه در اصفهان (نگارنده)

	<p>پوشش سر</p>
<p>پوشش سر را بطور کلی می‌توان به تاج قزلباش، دستار، کلاه پوستی و کلاه فرهنگی تقسیم کرد.</p>	
	<p>پیراهن</p>
<p>پیراهن زیر: که در اغلب تصاویر در زیر پیراهن رو یا قبا باقیه گرد قرار داشته است. پیراهن رو: این پیراهن کوتاه تا ران یا بند تا زانو بوده که دو طرف پایین آی چاک داشته است و اغلب آن را روی شلوار می‌انداختند یقه پیراهن رو به شکل گرد، هفت، هفت برگردان، یقه دار یا روی شانه چپ با یک دکمه بسته می‌شده که ساده یا مخطاط بوده است. پیراهن زنان: عموماً زنان پیراهن تنگی به تن می‌کردند که شکاف پیراهن زنان از جلو بود و در زیر گلو بوسیله روبان یا دکمه محکم می‌گردید. و پارچه آن از نخ و ابریشم بود.</p>	
	<p>قبا</p>
<p>جامه بلندی را که بر روی لباسهای دیگر می‌پوشیدند و معمولاً یقه آن باز و هلالی بود. آستین این قباها بسیار دراز بود که به همین جهت آن را چین می‌دادند که از مچ دست نگذرد. قبا از پارچه نخی بسیار نازک دوخته می‌شد و رنگ آن بر حسب تکمایل اشخاص متفاوت بود.</p>	
<p>جامه ی گشاد و بلند جلو بازی بود که بر روی لباس ها می پوشیدند و در زسمتان اغلب بر دوش می انداختند و در موقع کار ، دست ها را از شکاف آن بیرون می آوردند تا راحت تر باشند. عبا در رنگ های مختلف از جمله اکر ، قهوه ای و مشکی استفاده می شده است</p>	<p>عبا بالا پوش</p>
<p>پوشاک بی آستین گشادی که بر روی لباس ها پوشیده می شد و شاهزادگان از آن استفاده می کردند</p>	<p>شنل</p>



<p>جامه ی گشاد و بلندی که بر جامه های دیگر به تن می کردند و اغلب آستر آن از پارچه و پوستهای گرانبها مانند خز و سنجاب بود.</p>	<p>جبه</p>	
<p>جلیقه کوچک بی آستین از پارچه ی پشمی ، نخی ، ابریشمی با راهبهای رنگی که بسیاری از مردم در زمستان یا عما به هنگام سرما بر روی پیراهن خود می پوشیدند</p>	<p>صدیری</p>	
<p>نیم تنه کوتاه بی آستین که بر روی لباس ها می پوشند . جنس آن در تابستان از کتان ساده و در زمستان از کتان کلفت بود . این جلیقه روی سینه به هم می آمد و با دو دکمه بسته می شد.</p>	<p>جلیقه</p>	
<p>نیم تنه ی کوتاه چین دار یا کمر چین دار بود که اغلب با پوست لبه دوزی می شد و این پوشاک را از ما هوت، ذربفت و اطلس ضخیم می دوختند.</p>	<p>نیم تنه (کلیجه)</p>	
<p>نیم تنه ای کوتاه یا جامه زنان است که شانه ها را می پوشاند و تا میان بدن می آید. این نیم تنه از ابریشم رنگارنگ، اطلس زری با پارچه های پولک دوزی شده تهیه می شد.</p>	<p>کوته</p>	
	<p>شال کمر</p>	
<p>زنان روی قبا یا پیراهن شال های ابریشمی یا ذربفت بر کمر می بستند که معمولاً شال ها بلند و چندین مرتبه به صورت شل ، ولی مرتب به دور کمر پیچیده می شد.</p> <p>اغلب دو سر شال که با گل و بوته یا خطوط ذربفت تزیین شده بود از زیر شال در کمر مانند دسته گلی بیرون می آوردند یا آویزان رها می ساختند. در نیمه ی دوم این شال ها کوتاهتر ، مرتب تر و محکم تر بسته می شد . شال ها در رنگها و طرحهای مختلف استفاده می شده است</p>		
	<p>شلوار</p>	
<p>جنس شلوار معمولاً از پنبه ، ماهوت یا ابریشم بود و با نقش محرمات (راه راه) تافته ی شطرنجی یک خانه سفید و یک خانه قرمز (پیجازی) پارچه ی پنبه ای رنگین ، ذربفت و نقش (نوعی رودوزی) و اگر جنس شلوار از ذربفت نبود با نوارهای مختلف حاشیه دوزی می شد.</p> <p>در نیمه ی دوم این دوره دامن های گشاد تا زیر زانو می پوشیدند که به این طریق باعث می شد که همیشه مقداری از شلوار و لبه ی آن پیدا باشد در اواخر این دوره معمولاً شلوار خانم ها از کمر تا قوزک پا با پنبه پر می شد ، آنچنان که شناختن فرم پا مشکل بود .</p>		



نتیجه‌گیری

در فرهنگ جامعه اسلامی ایران اساسی‌ترین مسئله، مسئله پوشش است این مسئله شاید به نوعی زبان شخصیت و نوع نگاه فرد به هر پدیده با اهمیتی در زندگی باشد. با توجه به تغییر و تحولات سریع مد می‌توان از پوشاک تمام دوره‌ها به خاطر غنای بالا و دارا بودن فرهنگ ایرانی در طراحی لباس استفاده کرد، نتایج حاصل از این پژوهش به امید گسترش فرهنگ سازی و استفاده طراحان لباس از پوشاک دوران‌های مختلف ایران به خصوص دوران صفویه می‌باشد، پوشاک دوران صفویه طرح‌های بسیار زیبایی نسبت به دوره‌های دیگر داشته و به فرهنگ ایرانی بسیار نزدیک بوده. پارچه‌های آن‌ها از لطافت، ظرافت و زیبایی خاصی برخوردار بوده و در طرح لباسشان نیز ظرافت خاصی وجود داشت و به خوبی می‌شود از این طرح‌ها در طراحی لباس استفاده کرد. واغلب پارچه‌های مورد استفاده برای تهیه پوشاک زنان در دوره صفویه زربفت، ابریشم و ابریشم زربفت بوده است و در کنار آن‌ها گاهی از پارچه‌های پنبه‌ای برای آستر دوزی، مخمل، تور، شال، ترمه و پارچه پشمی استفاده می‌کردند، دارای تزئیناتی مانند کاربرد خز در یقه و سر آستین، یقه‌های متنوع و نقوش گل و برگ و انتزاعی در طرح پارچه‌هاست. طراحی لباس‌ها ساده و اغلب بلند است و همین عوامل متنوع را می‌توان به عنوان الگویی برای طراحی پوشاک معاصر بانوان استفاده کرد.

موضوعات به کار رفته در طراحی پارچه‌های عصر صفوی با توجه به مطالعات کتابخانه‌ای که انجام گرفته است، شامل داستان‌های رزمی، به تصویر کشیدن انسان در مجلس بزم و شکار، امیرزاده‌های سوار براسب با مهتران‌شان، کاربرد نوشته در تزئین پارچه و استفاده از طرح‌های انواع گل‌ها، حیوان و انسان است که البته در میان آن‌ها از نقشمایه‌های دوران ساسانی نیز استفاده شده است. همچنین طراحان دوره صفوی در تزئین پارچه‌ها از افسانه‌ها و ادبیات ایران مانند شاهنامه و خمسه نظامی بیش‌تر الهام گرفته‌اند.

- منابع :

- افروغ، عماد؛ مهربانی فر، حسین (۱۳۹۷). مطالعه چرخه مد لباس در جامعه لباس در جامعه ایران. زن در فرهنگ و هنر، (۱)۱۰، ۱-۲۷.
- امینی. شهناز، جوانی. اصغر، مقنی پور. مجید رضا (۱۳۹۷). شناسایی نمونه پیکره‌های انگلیسی در نگارگری مکتب اصفهان، فصلنامه علمی نگره شماره ۴۹، ۱۱۵-۱۲۷.
- آژند. یعقوب (۱۳۸۵)، نگاره‌های تک‌برگی یا یک‌صورت، دوماهنامه هنر و مردم، شماره ۶.
- احتشامی، خسرو (۱۳۹۰). تعریف نگاری واژه‌های هنری و صنعتی در متون عصر صفوی، انتشارات سوره مهر، تهران.
- احمدی، سوسن (۱۳۹۹). نگرشی بر طراحی مد و لباس در ایران. نخستین کنفرانس ملی پوشاک، طراحی و پارچه و لباس، شیراز.
- اسکندرپورخرمی، پرویز، شفیعی. فاطمه (۱۳۹۰). نگارگری ایرانی تجلیگاه ملکوت خیال (با تاکید بر آرای شیخ شهاب‌الدین سهروردی درباره عالم خیال (مثال))، نشریه هنرهای زیبا - هنرهای تجسمی، شماره ۴۸، ص ۱۹-۲۸.



- الهی. محبوبه (۱۳۸۹). لباس به مثابه هویت. فصلنامه مطالعات ملی. شماره ۴۲. ۳-۳۰.
- بابایی. پروین، اکبری. فاطمه (۱۳۹۳)، بازنمایی عوامل موثر بر شکل‌گیری سبک پوشاک ایرانیان، فرهنگ مردم ایران، شماره ۳۸ و ۳۹، ص ۹-۲۶.
- حکمیان. بدری (۱۳۸۵)، بررسی فرم‌های جامه‌های دوره صفوی، فرهنگ اصفهان، تابستان ۱۳۸۵. شماره ۳۲
- خواجه احمد عطاری و علیرضا، آیت الهی. حبیب اله، شیرازی. علی اصغر، مراثی. محسن، قاضی زاده. خشایار (۱۳۹۱)، بررسی انسان‌نگاری در نقاشی مکتب اصفهان سده دهم و یازدهم هجری قمری، مطالعات تطبیقی هنر، پاییز و زمستان ۱۳۹۱
- جعفر پور. علی، نوری. مهرداد (۱۳۸۵)، وضعیت پوشاک زنان در عصر صفوی (با تکیه بر سفرنامه نویسان فرنگی)، شماره ۵- ص ۴۹-۶۴.
- چیت ساز. محمدرضا (۱۳۹۱) تاریخ پوشاک ایرانیان: از ابتدای اسلام تا حمله مغول، تهران، سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاهها (سمت).
- دادور. ابوالقاسم، پور کاظمی. لیلا (۱۳۸۸)، پای پوش ایرانیان در نگاره‌های دوران ایلخانی، تیموری و صفوی، دوفصلنامه علمی - پژوهشی مطالعات هنر اسلامی، شماره دهم،
- دهقانی نازوانی. نفیسه، محمودی عالمی. علی (۱۳۹۹). بررسی پوشاک زنانه دوران صفوی، نخستین کنفرانس بین‌المللی طراحی پارچه و لباس، شیراز.
- رنج دوست. شبنم (۱۳۸۸) تاریخ لباس ایران، تهران، انتشارات جمال هنر
- روح فر، زهره (۱۳۸۰) نگاهی بر پارچه بافی دوران اسلامی، انتشارات سمت، تهران
- زنگنه. میترا، دادور. ابوالقاسم، زارع هرفته. فاطمه (۱۳۹۱) طراحی لباس عصر بر اساس پوشاک دوران صفویه، نساجی امروز، شماره ۱۲۲، ۵۹-۶۱.
- شریفی مهرجردی. علی اکبر (۱۳۹۲). هنر نساجی و پارچه بافی یزد در دوره درخشان صفوی، چیدمان، سال دوم، شماره ۲، ۱۰۹-۱۰۲.
- طهماسبی عمران. فاطمه (۱۳۹۸)، طراحی لباس کودک برگرفته از نقاشی کودکان گروه سنی ۳ تا ۶ سال، کنفرانس ملی مهندسی نساجی، پوشاک و مد، قائمشهر، دانشگاه آزاد اسلامی واحد قائم شهر
- عسگری خانقاه. اصغر، بهادری نژاد. اعظم (۱۳۹۳). فرهنگ پوشش زنانه نزد بانوان دانشکده روان‌شناسی و علوم اجتماعی (چادر غیر ساده ملی، عربی، قجری...)، دوفصلنامه دانش‌های بومی ایران، ۱، ۴۷-۶۸.



— کاظمی. سامره (۱۳۹۱). مطالعه تطبیقی ساختار بصری نگاره های، نبرد فریدون و ضحاک در مکاتب دوره صفوی ، نشریه مطالعات تطبیقی هنر، سال دوم ، شماره سوم .

— مجلسی. ملیحه، خوشنویسان . بهینه ، هنر مفهومی در طراحی لباس ، جلوه هنر ۱۵، ۵۷-۶۵

— محبی. بهزاد، حسنخانی قوام. فریدون ، امانی مریم (۱۳۹۷)، بررسی رابطه جایگاه اجتماعی و انتخاب رنگ البسه در نگاره های دوره ی صفویه ، دوفصلنامه هنر های صناعی اسلامی، سال سوم، شماره ۱، ۱۲۷-۱۳۹.

— مسعودی امین. زهرا (۱۳۹۴) ، فرنگی سازی در نگارگری مکتب اصفهان : رویکردی فرهنگی، باغ نظر، سال سیزدهم، شماره ۳۸، ۳۹-۴۶.

— لطیفی، اکرم و علی محمودی عالمی، ۱۳۹۷، بررسی پوشاک و حجاب زنان در دوران صفوی، کنفرانس بین المللی عمران، معماری و مدیریت توسعه شهری در ایران، تهران، دانشگاه صنعتی مراغه با همکاری دانشگاه تبریز - دانشگاه شهید مدنی آذربایجان

— نقوی. منیره سادات ، مراثی. محسن (۱۳۹۱) ، مطالعه تطبیقی کلاه مردان در سفرنامه ها و نگاره های دوران صفوی با تاکید بر دیوار نگاره های کاخ چهلستون اصفهان ، نشریه مطالعات تطبیقی هنر (دوفصلنامه علمی - پژوهشی) ، سال دوم ، شماره سوم

— ولی قوجق. منصور ، مهرپویا . حسین (۱۳۹۳)، بررسی ویژگی های تن پوش ها در سفرنامه در سفرنامه ها و نگاره های مکتب اصفهان ، فصلنامه علمی - پژوهشی هنر های تجسمی نقش مایه ، سال هشتم ، شماره ۱۸، ۴۳-۵۴.

— یعقوب. آژند (۱۳۸۳)، رضا ، آقا رضا و رضا عباسی (سه اسم و رقم در قالب یک قلم)، نشریه هنر های زیبا ، شماره ۲۱.